

خود بخودی و آگاهانه در تاریخ

نکاتی در باره سبک و شیوه مبارزه و اصولیت و کارائی آن

طرح مسئله

یکی از مسائل بفرنج که حل آن برای اداره صحیح و آگاهانه پیرویه های اجتماعی لازم است درک تناسب مابین آگاهانه و خود بخودی در تاریخ است. "خود بخودی" یعنی سیر تکاملی یعنی پیرویه تاریخی که طبق قوانین نسج اجتماعی انجام میگردد. آگاهانه یعنی عمل متشکل انسانها با وقوف بر قوانین تکامل اجتماع برای تسریع پیرویه تکامل و ایجاد تحولات ضروری.

گرایش در برابر خود بخودی یعنی تحمل آگاهانه برای تسریع پیرویه تکامل اجتماع دست نزدن و در پیش گرفتن روش موسوم به "تاکتیک - پیرویه" (نداشتن شیء در نماد ار، نداشتن هدف و بهیچگونگی کشیدن تاکتیک به شکل روزمره از پیرویه حوادث) بارها بحق از طرف کلاسیکهای مارکسیستی مورد انتقاد شد و قرار گرفته است. این طرز فکرنوعی اپورتونیزم، تسلیم بوضع موجود و دنباله روی است.

در همین حال تازاندن در پیرویه ها، در روشی گرفتن روشهای ولونتاریستی یعنی بی اعتنائی بقوانین یعنی تکامل و کوشش برای در کردن ساختن جامعه تشها با تکیه اراده قهرمانان و پشاهانگان و تصور آنکه تاریخ مانند موم یا خمیر در دست تاریخ سازان ناپخته میتواند به هر شکل دلخواه درآید، تصور اینکسه بلا استثنا "بهره دانی" میتوان در تاریخ رسید و فقط کویا باید راه و چاره کار و فوت و فن لازم و شکل عمل را یافت نیز بارها مورد انتقاد کلاسیکهای مارکسیستی قرار گرفته است. این طرز فکر نوعی انقلاب بیگری کاذب، پشیمانی و از وضع موجود، ولونتاریسم و اوانگاردیسم است.

نکته بسیار مهم، اینجا مانند همه جای دیگر، یافت تناسب صحیح بین دو قطب متضاد یعنی یافت اشکال اپتیمال عمل است، زیرا در واقع اپتیمالیزاسیون چیز دیگری نیست جز یافتن کاراترین تناسب در هر لحظه معین بین قطبهای متضاد و عوامل مختلف. مارکسیسم می آموزد که باید با عمل متشکل انقلابی، مبتنی بر دیاکتیک قوانین عام و خاص رشد جامعه، پیرویه تکامل آنرا ایجاد امکان تسریع کرد.

حتی بهترین حزب با بهترین پیشوایان قادر نیست جز در حد معینی و تا درجه معینی در تحویل تاریخ تاثیر کند زیرا اراده بهترین حزب و بهترین پیشوایان در چارچوب امکانات معینی و ضیق ضرورتهای رشد اجتماعی محدود است. ولی سخن بر سر آنست که این حد و کد ام است. حتی ولونتاریستهای واقعی نیز هرگز اعتراف نمیکند که آنها نمیتوانند واقعیات و امکانات را در نظر گیرند، بلکه دعوی میکنند که در آنجا که کسی امکان واقعی نمی بیند در واقع امکان واقعی وجود دارد. حقیقت آنست که تاریخ دارای ذخیره نهانی

امکانات است و در آن گرایشهای مختلف رشد بشکل مکنون نهفته است و حقیقت آنست که رهبری در سست میتواند از این ذخیره های نهائی و گرایشهای مکنون و از قابل انعطاف بودن (Plasticité) نسج تاریخ استفاده کند و جامعه را به کامیابیهائی که گاه غیر مترب بنظر می رسد برساند. عظمت پیشوایان بزرگ انقلابی در همین استفاده ماهرانه، بجا، سریع و بصیرانه از امکانات و گرایشهای نهض یافته تاریخ است. ولی این نیز حقیقت است که محدودیت زمانی و مکانی در کرد این امکانات د یواری خارا این می کشد.

سبکهای عمل فردی و اداره اجتماعی

طی تاریخ سبکهای مختلف عمل فردی و اداره اجتماعی پدید آمده و سنت یافته است. مثلا مانند: اسلوب سازمانهای نظامی، اداری، دیپلماتیک، پلیسی، اسلوب سازمانهای انقلابی، شیوه های اداره و رهبری مذهبی، اسلوب سازمانهای تربیتی و غیره و غیره. تاریخ جامعه در واقع پروسه عمل اجتماعی است که در آخرین تحلیل از اعمال افراد جامعه ناشی میشود. هدف هر پروسه اداره ای در جامعه آنست که اراده و عمل افراد جامعه را به اراده و عمل پیشوایان و فرماندهی و تدبیران و سرکردگان و غیره و نظریات و مقاصد فردی و اجتماعی آن ها تابع می سازد. اداره کنندگان برای تابع ساختن اراده افراد جامعه به اراده خود و سوق دادن آن در مسیری که می خواهند گاه از ترس و نادانی و نیاز و ناتوانی افراد جامعه استفاده میکنند و یا تهدید، تطمیع، اغوا، اجبار، سفسطه، تعبد، تعصب، تحمیل، مجذوب، مرعوب و متکوب ساختن آنها را پدید می آورند و گاه از خرد و اعتماد و حسن پیشرفت و جهات قهرمانی و روشن رویی افراد جامعه استفاده میکنند و از راه اقتناع، شهرت جمعی، ایجاد شور و هیجان سالم، ایجاد حسن اعتماد و امید و میدان دادن به ابتکار و انتخاب افراد آنها را بطرف مقاصد و هدفهای مثبت سوق میدهند. لذا میتوان دو سبک مختلف عمل فردی و اداره اجتماعی تشخیص داد:

الف - شیوه ایراسیونل و انتی دموکراتیک پایه بیان دیگر شیوه عمل و اداره غیر منطقی، غیر علمی، ذهنی همراه با روشهای غیر انسانی و بیولوژیک،

ب - شیوه راسیونل و دموکراتیک پایه بیان دیگر شیوه عمل و اداره منطقی، علمی، عینی همراه با روشهای انسانی و سوسپولوژیک.

در شیوه نخست تکیه به غرایز بیهی انسانها و استفاده از اهرمهای جبر و ستم و استثمار برای برده و مطیع ساختن آنهاست.

در شیوه دوم تکیه به خرد و آگاهی اجتماعی انسانها و استفاده از اهرمهای ترقی طلبی و سعادت جویی و آزاد پخواهی برای رهائی و اعتلاء آنهاست.

شیوه نخست شیوه ایست ضد بشری، غیر اصولی، ضد حقیقت و ارتجاعی.

شیوه دوم شیوه ایست بشری، اصولی، موافق حقیقت، انقلابی.

کارائی و اصولیت شیوه

در اینجا که سؤال بسیار مهم و دراماتیک بمان می آید: آیا شیوه های ایراسیونل و دموکراتیک عمل فردی و اداره اجتماعی که میخواهد از راه اقتناع، مسیح عواطف مثبت، ایجاد انضباط آگاهانه، تأمین وحدت و همبستگی همزمان، مراعات عدالت و رفق و رفتار، مراعات صراحت و صداقت و غیره و غیره عمل کند در عرصه تاریخ کار است یعنی ثمر بخش و هدف رس است؟

بدون کترین تردید باید گفت که تنها شیوه راسیونل و دموکراتیک عمل است که در طول تاریخ پیروز میشود ولی این بهیچوجه بدان معنی نیست که در دورانهای معین و در نقاط معین شیوه های ایراسیونل و انتی دموکراتیک مانند شیوه های که در مؤسسات مذهبی، بتگاههای اداری و تجاری سرمایه داری، سازمانهای نظامی و تأمینیه و مؤسسات دیپلماتیک جهان کهن مرسوم است، خود را کارا نشان ندهند.

کارآموزان درد ورنشهای محدود تاریخ و در شرایط همین زمانی و مکانی با درست طلبی نداشته باشند. اتفاقاً کارائی شیوه ها تناسب مستقیم با درجه رشد مادی و معنوی جامعه دارند. هراندازه جامعه از جهت رشد مادی و معنوی خود عقب تر، در آن شیوه های انسانی و مکتوبات و آبراسیونل که از راه تلج کردن اراده ها و تهور غریزه های بیولوژیک بهمد ف میروند، خود را کارا تر و موثرتر نشان میدهند.

بهین جهت است که گاه بهترین انسانها در این شرایط در مقابل سؤال و نیازنج آوری قرار میگیرند که باید این شیوه ها توسط جویند و یاتن بشکست دهند، یاد ستهای خود را برای برون آوردن گوهر های درخشنده از لجن زار بیالایند و یا دل ازهد ف و مقصد برکنند.

بهین جهت است که گاه درضمت ترین و انسانی ترین جنبشهای تاریخ، استفاده از شیوه های مذهبی و نظامی و عامیت دادن بر روشهای دیپلماتیک و ماکیاولیستی دیده شده است. تاریخ همیشه در این موارد شخصی قضاوت کرده است. ازدم گفته اند "الضرورات تلج المحظورات" و آخرالد واء - الکی". ولی همیشه باید دید که کدام ضرورت و کدام مظهر و تاچه حد آن ضرورت این مظهر را مجاح ساخته است. آنچه مسلم است جنبش انقلابی و انساندوستی باید باتمام قوا از شیوه هایی که با ماهیت جهان بینی وی تناقض بین دارد احتراز کند.

هد فها و وسائل

در اینجاستقله ای پیش میآید که در واقع از اهم مسائل در پراتیک است و آن اینکه آیا هد فها توجه کنند و وسایلند و آیا میتوان به هد فهای نیک با وسائل بد رسید. صریح وقاطع باید گفت: ما شعار ژوئیستی "هد فها توجیه کنند و وسایلند" (Ends justify the means) را رد میکنیم. به هد فهای انسانی تنها با وسائل انسانی میتوان رسید و استثنای گذرا و "مظهورات" غیر عادی و نابهنجار در اینجا اساس نیست. آری جنبش انقلابی پرولتری مثلا اعمال جبر انقلابی را بنابه یکی از شرایط اساسی توسعه آگاهانه پرورسه تکاملی جامعه بکار میبرد ولی آنرا تشهادر یک کادر انسانی، شریف، عادلانه، محتاط، محدود، بسود اکثریت مطلق، بزبان اقلیت ناچیز، بر اساس اراده حزب انقلابی و طبقات وطنی و حزب انقلابی و طبقات زحمتکش بکار میبرد. حزب انقلابی پرولتاری باید تلجیل تحمل و اجبار با سلوب اساسی و دانی کار خود، از خد سازی پیشوایان و ایجاد عصبیت مذهبی، از اغوا و فریب عمومی، از استتار مقاصد اجتماعی خود و غیره و غیره اکید بهره ببرد.

- برای ما تشها کارائی سلوب مطرح نیست، اصولیت سلوب نیز باتمام قوت مطرح است.

- ما برآنیم که بهمد فهای انسانی میتوان با وسائل انسانی رسید ولی باید کوشید و در شرایط شخصی سلوب صحیح و اصولی کار را یافت.

- ما اشکال کهن اداره اجتماعی را که به تری و نادانی و نیاز و ناتوانی انسان تکیه میکند رد میکنیم و خواستار اشکالی هستیم که به اعتماد، داناتی، حسن پیشرفت و صفات قهرمانی و شایستگی بشری تکیه کند. ما اشکال ارتجاعی عمل فردی و اداره اجتماع را که میخواهد اراده عامه را بسود مقاصد گروهها و طبقات ممتاز تلج کند رد میکنیم و خواستار اشکال علمی و انقلابی عمل فردی و اداره اجتماع هستیم. ما برآنیم که آگاهانه یعنی عمل در راه تحول انقلابی جامعه تنها میتوان با درک خود بخودی یعنی درک قوانین عام و خاص تکامل جامعه، درک امکانات واقعی و معینی و احتراز از ولوتناریسم موثر شود. ولی برآنیم که باید از ذخیره تحولی جامعه بخوبی استفاده شود. موثرترین و پیرشترین اشکال مبارزه اجتماعی و ساختمان جامعه نین بشکل خلاق و در جریان پراتیک کشف گردد و در اینکار از خرد جمعی، از زبون و تجربه اجتماعی از تجارب مثبت و منفی خود و دیگران استفاده بعمل آید.